

## نخستین منظومه ی نحوی در ادبیات عربی

دکتر باقر قربانی زرین \*

چکیده:

منظومه های نحوی جایگاه ویژه ای در ادبیات عربی و آموزش علم نحو دارند. مشهورترین این منظومه ها الفیه ی ابن مالک (م. ۶۷۲) است. ولی پیش از او احمد بن منصور یشکری (م. ۳۷۰)؛ حریری (م. ۵۱۶) و ابن معطی (م. ۶۲۸) منظومه های تعلیمی خود را در علم نحو سروده اند. اما نخستین منظومه ی نحوی از آن خلیل بن احمد (م. ۱۷۰) است در ۲۹۳ بیت که در این نوشتار به ویژگیهای آن اشارت رفته است.

واژه های کلیدی: نحو، منظومه های نحوی، خلیل بن احمد

درباره ی علم نحو عربی سخن فراوان است: چگونگی پیدایش آن و ارتباطش بانحو سانسکریت؛ نخستین نحویان و تألیفات آنان؛ پیدایش مکتب های گوناگون نحوی و... که پرداختن بدانها مجال دیگری می طلبد. آنچه که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است نخستین سروده ی نحوی در ادبیات عربی است. از مشهورترین منظومه های نحوی، الفیه ی ابن مالک (م. ۶۷۲ ق.) است با عنوان «الخلاصة» که ابن مالک آن را از دیگر اثر منظوم خود *الكافية الشافية في النحو* تلخیص کرده است. *الكافية الشافية* مشتمل بر ۲۷۵۷ بیت است. الفیه ی ابن مالک مورد استقبال طالبان نحو قرار گرفت و ده ها شرح بر آن نگاشته شد. (ر.ک: حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۳۶۹). پس از ابن مالک نحویان، منظومه های نحوی دیگری نیز سروده اند از جمله ی آنان الحسن المرادی (م. ۷۴۹ ق.) است که منظومه ای در «معانی حروف» سروده و سپس آن را شرح کرده است؛ دیگر زین الدین آثاری (م. ۸۲۸ ق.) است که الفیه ای سروده با مطلع:

الحمد لله الذي من اقترب لنحو باب فضله نال الأرب

و نام آن را «*كفاية الغلام في اعراب الكلام*» گذارده است (ر.ک: حریری، مقدمه فائز فارس، ۲۵). از منظومه های مشهور پیش از الفیه ی ابن مالک، الفیه ی ابوالحسن یحیی زاوی مغربی مشهور به ابن معطی (م. ۶۲۸ ق.) است که ابن مالک در آغاز الفیه خود بدان اشارت کرده و «تفضیل سبق» داده است (ر.ک: ابن عقیل، ۱۱/۱-۱۲):

وتقتضى رضا بغير سُخط و هو بسبق حائز تفضيلا  
فأئقفة الفية ابن معطٍ مستوجب تنائي الجميلا

سروده ی دیگر از ابومحمد قاسم بن علی حریری (م. ۵۱۶ ق.) است در ۳۷۵ بیت در بحر رجز مشطور که سراینده خود، نام آن را «*ملحة الاعراب*» نهاده است و در بیتی بدان اشاره کرده است (حریری، ۲۵۹):

وقد تَقَضَّتْ مُلْحَةُ الاعراب مودعةً بدائع الاعراب

جالب آنکه حریری منظومه ی خود را شرح نیز کرده است و شروح متعدد دیگری نیز بر آن نگاشته شده است (برای تفصیل نک: حریری، مقدمه ی فارس، ۲۶-۲۹؛ ابن انباری، ۳۷۹؛ قفطی، ۲۵/۳؛ یاقوت حموی، ۲۲۰۷/۵) برخی برآنند که شاید *ملحة الاعراب* حریری نخستین سروده ی نحوی در ادبیات عربی باشد (ر.ک: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ۶۹/۱۰) ولی احمد بن منصور یشکری (م. ۳۷۰ ق.) ارجوزه ای در بحر رجز با مطلع:

الحمد لله الذي تعالی واستخلص العزة والجلالا

در مباحث صرفی و نحوی داشته است که برخی ابیات آن موجود است (ر.ک: ابوحیان اندلسی، ۱۰۴/۲؛ سیوطی، ۳۹۲/۱) اما نخستین نشان از کهن ترین سروده ی نحوی در ادبیات عربی را خلف بن حیان احمر بصری (م. ۱۸۰ ق.) در کتاب *مقدمة النحو* (ص ۸۵-۸۶) در اختیار ما گذارده

است. وی با اشاره به قصیده ی نحوی خلیل بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۰ ق.) دو بیت آن را نیز درباره ی عطف نسق { = عطف به حروف } آورده است:

فأنسقُ وصلٍ بالواو قولك كَلَّه  
و بلا وثمَّ وأو فليستَ تَصْعَبُ  
الفاءُ ناسقَةٌ كذلك عندنا  
وسبيلُها رحبُ المذاهبِ مُشْعَبُ

خلیل بن احمد افزون بر جایگاه بلندش در عروض و لغت، در شعر و نحو نیز استاد بوده است. ابن ندیم (ص ۱۸۴) از دفتر شعر خلیل خبر داده است و دو بیت از سروده های خلیل را درباره ی دو کتاب استادش عیسی بن عمر (م. ۱۴۹ ق.) در علم نحو با نام های *اکمال* و *جامع* آورده است (ابن ندیم، ۴۷):

بطل النحو جميعاً كَلَّه  
غیرما أحدث عیسی بن عمر  
ذاک «اکمال» و هذا «جامع»  
فهما للناس شمس و قمر

یاقوت حموی (۳/۱۲۶۵-۱۲۷۰) برخی سروده های خلیل بن احمد را آورده است. نیز بیٹی را از خلیل آورده که شامل تمام حروف تهجی است:

صف خلق خودِ کمثل الشمس اذ بزغت  
يحظي الضجيجَ بها نجلاءً معطاراً

یاقوت حموی (۳/۱۲۶۳) تصریح کرده که خلیل بن احمد نخستین کسی بوده است که توانسته در یک بیت تمام حروف تهجی را گرد آورد.

خلیل بن احمد که اصلاً ایرانی بوده (یاقوت حموی، ۳/۱۲۶۰) و با زبان هندی نیز آشنا بوده است (مجتبایی، ۵۴) با پرورش شاگردانی همچون سیبویه، مؤلف *الکتاب*، استادی خود را در علم نحو به اثبات رسانده است و به گفته ی ابن ندیم (ص ۵۷) اصول و مسائل کلی *الکتاب* سیبویه از آن خلیل بن احمد است. ابواسحاق زجاج (م. ۳۱۱ ق.) نیز به این مسئله تصریح کرده است (ر.ک: *الکتاب*، ۶/۱). نام خلیل ده ها بار در *الکتاب* آمده است (برای نمونه ر.ک: *الکتاب*، ج ۱/۱۵۹، ۱۶۶، ۳۴۷، ۳۵۱؛ ج ۲/۴۷، ۱۰۵، ۱۵۹، ۲۹۳ و ۰۰۰) از این رو خلیل را «امام فی النحو» (ابن خلکان، ۲/۲۴۴) و مؤسس حقیقی نحو عربی (بروکلمان، ۲/۱۳۱) و غایت در استخراج مسائل نحو و تصحیح قیاس و تعلیل در علم نحو (ابن ندیم، ۴۸؛ یاقوت حموی، ۳/۱۲۶۱) معرفی کرده اند.

زجاجی (م. ۳۳۷ ق؛ ص ۶۵-۶۶) سخنی را از خلیل بن احمد نقل کرده است با این مضمون که از خلیل پرسیدند: علل و قواعد نحو را از عرب گرفتی یا خود دریافتی؟ خلیل پاسخ داد که عرب بر حسب طبیعت خود سخن می گوید و علل و قواعد در سخن آنان نهفته است هرچند که از آنان نقل نشده باشد. وی خود را از کسانی بر می شمرد که به کشف و استخراج این علل دست یازیده اند بسان خردمندی که به خانه ای بزرگ و بشکوه درآمده و با خرد خود دریابد که بنای

اجزای خانه بر چه اساسی بوده است. زجاجی (همانجا) این سخن خلیل را ستوده و وی را فردی با انصاف دانسته است.

پس از تصریح خلف احمر (ص ۸۵-۸۶) بر اینکه خلیل را قصیده ای در علم نحو بوده است همگان می پنداشتند که این اثر نیز جزء آثار از دست رفته ی خلیل است تا اینکه با پیدا شدن نسخه های خطی این قصیده (ر.ک: عیفی، ۱۵۵-۱۷۲) و چاپ آن گنجینه ای ارزشمند در اختیار پژوهندگان نحو عربی قرار گرفت. دکتر احمد عیفی، استاد دانشگاه قاهره، کتاب را در ۱۴۲۴ق. ۲۰۰۳ م. در قاهره به چاپ رساند. این منظومه ی منسوب به خلیل در ۲۹۳ بیت در بحر کامل با مطلع:

الحمد لله الحمید بمنه      اولى وأفضل ما ابتدأت وأوجبُ

سروده شده و مشتمل بر بسیاری از مباحث علم نحو است. از نکات جالب در این منظومه اشاره به نام های افراد است که شامل نام های بزرگان دین، نحویان، شاگردان و معاصران خلیل و ... است (برای آگاهی از آن ها ر.ک: عیفی، ۱۰۶-۱۰۹).

از دیگر نکات مهم در این منظومه آن است که در برخی ابیات، مباحث نحوی در ضمن مثال مطرح شده است. برای نمونه در بیت های ۱۳۵-۱۳۹، که درباره ی «حتی» است، چندین مثال ذکر شده است (نک: عیفی، ۲۲۰-۲۲۱):

|                            |                               |
|----------------------------|-------------------------------|
| و اذا أتت حتى وكانت غايَةً | فاخفض و إن كثروا عليك والّبوا |
| فتقول قد خاصمت قومك كلهم   | حتى أخيك لأن قومك أذنبوا      |
| ولقد أكلت الحوت حتى رأسه   | حتى أخوك يلومني و يؤنّب       |
| حتى أخاك ضربت لمأسبتي      | وكذاك أفعّل بالذی يتوتّب      |

این امر نشان دهنده ی تعلیمی بودن قصیده و شیوه ی خاص خلیل بن احمد است. برخی مثال های خلیل در این منظومه با مثال های او در دیگر آثارش همچون کتاب العین و الجمل فی النحو یکسان است ( برای نمونه ر.ک: عیفی، ۱۲۵-۱۲۶، ۱۳۱-۱۳۲) همچنین برخی آراء وی در این منظومه با مطالب الكتاب سیبویه مشابهت و همخوانی دارد از جمله در مبحث شرط و جزای آن (نک: همان، ۱۳۵-۱۳۶).

از آنچه گفته آمد مستفاد می گردد که پیشینه ی ادبیات منظوم تعلیمی در مباحث صرف و نحو به سده ی دوم هجری باز می گردد و این امر در مباحث تاریخ نحو و سیر تطور آن و به کار گیری اصطلاحات نحوی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شاید سرایندهگان منظومه های نحوی و مؤلفان نخستین، که در این نوشتار از آنان یاد شد، این منظومه ی خلیل را در اختیار داشته اند همانگونه که خلف احمر بصری بر آن دسترسی داشته و دو بیت آن را نقل کرده است. این امر با جست و جویهای بیشتری در آینده هویدا خواهد شد.

منابع :

- ١- ابن انبارى، كمال الدين ابوالبركات عبدالرحمن بن محمد، نزهة الالباء فى طبقات الادباء، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره [تاريخ مقدمه ي مصحح ١٣٨٤ ق. /١٩٦٧م].
- ٢- ابن خلكان، وفيات الأعيان وأنباء ابناء الزمان، تحقيق احسان عباس، بيروت ١٩٦٨-١٩٧٧.
- ٣- ابن عقيل، بهاء الدين عبدالله، شرح ابن عقيل، تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد، مصر ١٩٦٤/١٣٨٤.
- ٤- ابن نديم، كتاب الفهرست، تحقيق محمد رضا تجدد، تهران ١٣٥٠ش.
- ٥- ابوحيان اندلسى، محمد بن يوسف، ارتشاف الضرب من لسان العرب، تحقيق مصطفى احمد النماس، قاهره ١٤٢٦ ق. /٢٠٠٥م.
- ٦- بروكلمان، كارل، تاريخ الادب العربى، نقله الى العربية عبدالحليم النجار، قاهره ١٩٧٧م.
- ٧- حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله، كشف الظنون عن اسامى الكتب والفنون، بيروت ١٩٩٠/١٤١٠.
- ٨- حريرى، ابو محمد قاسم بن على، شرح ملحمة الاعراب، تحقيق فائز فارس، اردن ١٩٩١/١٤١٢.
- ٩- خلف احمر بصرى، مقدمة فى النحو، تحقيق عزالدين تنوخى، دمشق ١٩٦١/١٣٨١.
- ١٠- دايرة المعارف بزرگ اسلامى، زير نظر كاظم موسوى بجنوردى، ج ١٠، تهران ١٣٨٠.
- ١١- زجاجى، ابوالقاسم، الايضاح فى علل النحو، تحقيق مازن المبارك، قاهره ١٩٥٩.
- ١٢- سيبويه، الكتاب، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بيروت ١٩٨٨/١٤٠٨.
- ١٣- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، بغية الوعاة فى طبقات اللغويين والنحاة، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره ١٩٦٤/١٣٨٤.
- ١٤- عفيفى، احمد، المنظومة النحوية المنسوبة الى الخليل، قاهره ٢٠٠٣/١٤٢٤.
- ١٥- قفطى، على بن يوسف، انباه الرواة على انباه النحاة، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره ١٩٥٥/١٣٧٤.
- ١٦- مجتبائى، فتح الله، نحوهندى و نحو عربى، تهران ١٣٨٣.
- ١٧- ياقوت حموى، معجم الادباء، تحقيق احسان عباس، بيروت ١٩٩٣.